



مرکز تحقیقات اسلامی

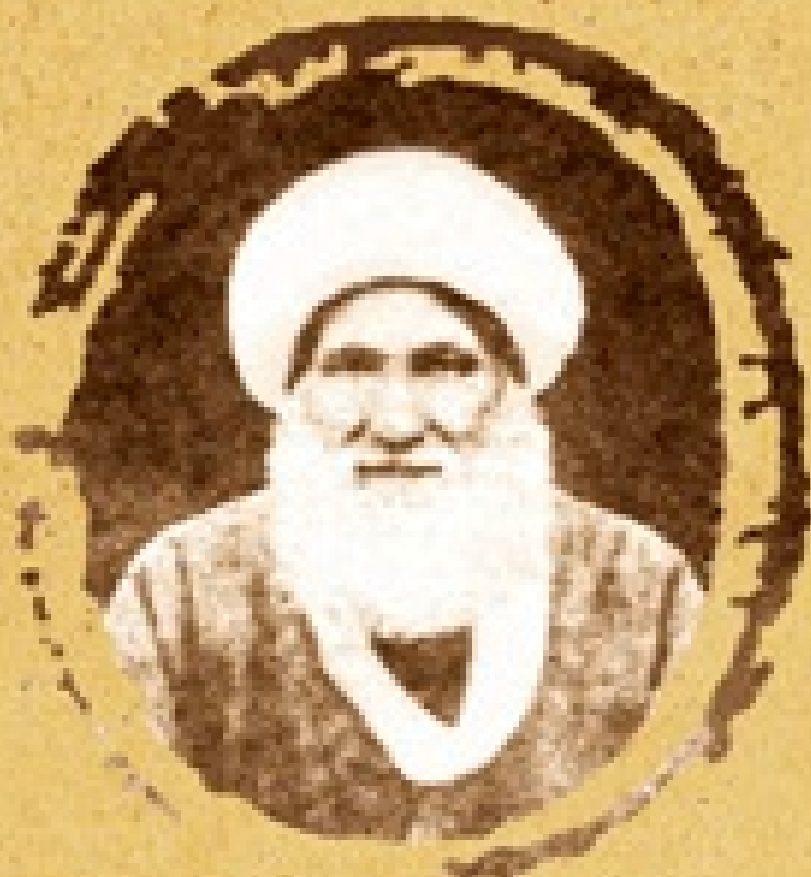
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



علامہ کبیر حضرت آیت اللہ حاج آقا

شیخ علی اکبر نہاوند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح حال آیت الله شیخ علی اکبر نهاوندی

نویسنده:

حسین احمدی قمی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شرح حال علامه کبیر حضرت آیت الله علی اکبر نهایندی قدس سره
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	فهرست مطالب
۱۲	ماه نهایند
۲۲	مرحوم نهایندی و مبارزه با دیکتاتوری رضاخانی
۲۵	علامه نهایندی رحمه الله در کلام بزرگان
۲۶	مشایخ روایی علامه نهایندی رحمه الله
۲۶	راویان حدیث از علامه نهایندی رحمه الله
۲۷	علامه نهایندی رحمه الله و توجه به ادبیات
۲۸	ویژگی های اخلاقی علامه نهایندی رحمه الله
۲۸	اجتناب از امور شبهه ناک
۲۹	سخت کوشی در راه علم
۳۰	حکایاتی از حاج شیخ علی اکبر نهایندی رحمه الله
	تألیفات علامه نهایندی رحمه الله آیت الله نهایندی رحمه الله از سال ۱۳۲۸ ق تا ۱۳۶۹ ق متجاوز از ۴۰ سال در ارض اقدس خراسان به ترویج مکتب تربیت فضلا و تدریس و تألیفاتی سودمند اشتغال داشت این عالم کامل فقیهی پرهیزکار و دانشمندی فروتن بود که بسیاری از سال های عمر
۴۸	وفات علامه نهایندی رحمه الله
۴۹	کتابخانه علامه نهایندی رحمه الله
۶۰	درباره مرکز

شرح حال علامه کبیر حضرت آیت الله علی اکبر نهاوندی قدس سره

مشخصات کتاب

سرشناسه: احمدی حسین ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: شرح حال علامه کبیر حضرت آیت الله حاج آقا علی اکبر نهاوندی قدس سره/ به کوشش حسین احمدی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۵۳ص: نمونه.

شابک: ۵۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۷۱-۱

یادداشت: عنوان روی جلد: علامه کبیر حضرت آیت الله حاج آقا شیخ علی اکبر نهاوندی ره

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: علامه کبیر حضرت آیت الله حاج آقا شیخ علی اکبر نهاوندی ره

موضوع: نهاوندی علی اکبر، ۱۲۳۸ - ۱۳۲۹. -- سرگذشتنامه

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: BP۵۵/۳/ن۹۳ الف ۳ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۷۲۷۸۱

ص: ۱

اشاره

شرح حال علامه كبير حضرت آيت الله حاج آقا علي اكبر نهاوندي قدس سره

به كوشش حسين احمدی.

ص: ۳

فهرست مطالب

تصویر

□

ص: ۵

حاج شیخ علی اکبر نهاوندی فرزند شیخ حسین نهاوندی خراسانی در سال ۱۲۳۸ش در نهاوند(۱) دیده به جهان گشود، و پس از سپری کردن دوران کودکی در دامن خانواده ای مذهبی وارد حوزه علمیه آن شهر شد.

ایشان مقدمات علوم دینی را در موطن خود نزد شیخ جعفر بروجردی و حاج محمد سره بندی فراگرفت، سپس به بروجرد رفت و در مجلس درس

ص:۷

۱- ۱. نهاوند به لحاظ تقسیمات کشوری یکی از شهرستان های همدان با مساحتی معادل ۱۵۳۵ کیلومتر مربع است، این شهرستان در موقعیت ۴۸ درجه و ۲۲ دقیقه طول جغرافیایی و ۱۲ دقیقه عرض جغرافیایی قرار گرفته و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۷۴۰ متر است. نهاوند در طول دره ای در میان کوهستان شمالی و جنوبی قرار گرفته و رودخانه معروف گاماسیاب تقریباً از وسط این دره می گذرد. به استناد تحقیقات پرفسور گریشمن، حدود ۳۷ قرن قبل از میلاد مسیح قومی در این شهر زندگی می کرده اند که تمدنی شبیه تمدن بین النهرین داشته و بعدها به دست اقوام دیگر از بین رفته است. این شهر مقارن انقراض هخامنشیان در حمله اسکندر مورد هجوم و تاخت و تاز قرار گرفته؛ در جنگ فتح الفتوح، مردم نهاوند به سپاهیان اسلام یاری رساندند، در دوره قاجاریه ناصرالدین شاه ضمن بازدید از این شهر دستور می دهد قلعه نهاوند را که دژی تاریخی محسوب می شد، خراب کنند (تلخیص از بخش اول جغرافیای تاریخی نهاوند، علی اکبر افراسیاب پور) حوزه علمیه نهاوند در گذشته از رونق خاصی برخوردار بوده و فرزندان بسیاری را به جامعه تحویل داده است و آثار برجای مانده در این دیار خبر از وجود بزرگ مردانی می دهد که همچون ستارگان درخشان در آسمان دین و فرهنگ، پرتو افشانی می کنند. (گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۹۳).

شیخ آقا شیخ الاسلام^(۱) میرزا حسین تویسرکانی و سید ابوطالب بروجردی شرکت جست.

بعد از مدتی به مشهد امام علی ابن موسی الرضا علیهما السلام رفته و نزد فرهیختگان نامداری چون: شیخ عبدالرحیم بروجردی^(۲)، حاج میر سید علی حایری یزدی^(۳) و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی^(۴) به تحصیل علم پرداخت.

حاج شیخ علی اکبر نهاوندی بعد از بهره گیری از حوزه علمیه مشهد و علمای

ص: ۸

۱- ۲. وی در ۱۶ رمضان ۱۲۴۰ قمری در تبریز متولد شده و بعد از سپری کردن دوران رشد و تحصیل به تألیف پرداخته است. مفتاح البسمله و منتهی المقاصد اولین تألیفات وی در دوران جوانی می باشد. فقه و اصول را از شیخ مرتضی انصاری و شیخ خنفر و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء بهره گرفته، وی سرانجام در مکه معظمه در سال ۱۳۱۰ ق دار فانی را وداع گفته است. ر.ک: علمای معاصرین، ص ۸۴ - ۷۷.

۲- ۳. شیخ عبدالرحیم تیری بروجردی از علمای باتقوا و با فضیلت قم است که در اطراف بروجرد به دنیا آمده و پس از طی مقدمات در بروجرد سطوح را از محضر علامه فقیه آیت الله العظمی نجفی مرعشی و بعضی دیگر استفاده نمود. وی پس از ورود آیت الله مرحوم بروجردی در ابحاث فقه و اصول وی حاضر شده است. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۸۸.

۳- ۴. حاج میرزا سید علی فرزند میرزا محمد صادق یکی از علما و مجتهدین و از اساتید فضلالی قرن اخیر در استان یزد بودند. او در سامرا شش سال از کرسی درس میرزای بزرگ استفاده نمود و بعد از فوت مرحوم فشارکی از کرسی درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا خلیل به خوبی بهره مند شد. اساتید او مخصوصاً آخوند خراسانی خیلی به این سید بزرگوار علاقه داشتند. نوشته اند که در سوم شعبان ۱۲۸۴ ق متولد شد و در شب عاشورا ۱۳۶۴ ق به اجداد عظامش پیوست. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۷۹.

۴- ۵. شیخ محمد تقی از اعلام بزرگوار و زهاد نامدار و از شاگردان شیخ انصاری و صاحب جواهر بوده است. وی پس از تکمیل فنون معمول در مشهد مقدس رضوی مجاور شده است. به احتمال معظم له در ۱۴ صفر ۱۳۱۴ ق وفات یافته و در دار السیاده دست چپ متصل به درب مسجد گوهرشاد مدفون شده است. ر.ک: تاریخ علمای خراسان، ص ۲۵۸؛ فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۶۹۲.

آن شهر به اصفهان رفته و از علمای این شهر نیز بهره گرفت و بعد از مدتی به تهران رفته و تا ۱۲۸۷ ش در طول سال هایی که مصادف با انقلاب مشروطیت بود، در تهران اقامت اختیار کرد. وی در این مدت در بحث فقه حاج محمد حسن آشتیانی (۱) و در بحث عرفان و علوم عقلی مرحوم حیدر خان نهاوندی، میرزای جلوه (۲) و محمدرضا قمشه ای از اساتید فن حضور یافت.

آن گاه به عتبات عالیات و شهر مقدس سامرا هجرت نمود و در مجلس درس میرزای بزرگ شیرازی (۳) شرکت کرد. وی در سال ۱۳۰۸ ق به نجف

ص: ۹

۱- ۶. میرزا محمد حسن آشتیانی تهرانی عالم محقق و فاضل مدقق از اعیان علمای ایرانی و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری رحمه الله می باشد. وی دارای تألیفات زیادی از جمله: حاشیه بر رسائل استادش است، سال ۱۳۱۱ ق بعد از حج به عراق رفته و در ۱۳۱۹ ق در تهران وفات یافته است. جنازه او به نجف منتقل داده شده و در مقبره شیخ جعفر شوشتری مدفون گردید. ر.ک: فوائد الرضویه، ج ۲، ص ۷۲۲؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۴۹؛ علمای معاصرین، ص ۷۰ و ۳۷۹.

۲- ۷. سید ابوالحسن بن محمد طباطبایی اصفهانی زواری معروف به میرزای جلوه متخلص به جلوه از اکابر فلاسفه اسلامی از احقاد سید الحكماء المتألهین میرزا رفیع الدین نائینی استاد علامه مجلسی است. وی در ذی القعدة ۱۲۳۸ ق در احمد آباد کجرات هند تولد یافت. وی بسیاری از اوقات خود را در علم معقول مصروف داشته تا اینکه به تهران رفته و در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید و ناصرالدین شاه قاجار نیز وی را در همان جا دیدار می کرده تا آن که شب جمعه ششم ذی القعدة ۱۳۱۴ ق در همان جا وفات یافته و در جوار صدوق بن بابویه مدفون گردید. ر.ک: ریحانه الادب، ج ۱، ص ۴۲۰.

۳- ۸. میرزا محمد حسن بن میرزا محمود حسینی شیرازی نجفی، اشهر مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیة در زمان خودش، در ۱۵ جمادی الاولی ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد شد و در نجف در درس صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف الغطاء حاضر شده و پس از آن ها عمده استفاده اش از علامه شیخ مرتضی انصاری بوده، آثار و خدمات آن جناب به عالم تشیع بسیار است؛ یکی از آن ها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامرا بوده. از خدمات دیگر ایشان تحریم تنباکو بوده، صاحب الذریعه کتابی به نام {هدیه الرازی الی مجدد شیرازی} نوشته و در آن بسط کلام داده است، میرزای شیرازی در ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ به کسالت سل از دنیا رفت. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۴۲۹ - ۴۲۷.

اشرف عزیمت کرده و در این شهر از محضر آیات عظام: سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۱)، محمد کاظم آخوند خراسانی (۲)، شیخ محمد طه نجف (۳)، میرزا حبیب الله رشتی (۴)، شیخ الشریعه اصفهانی (۵)، شیخ محمد حسن

ص: ۱۰

۱- ۹. سید محمد کاظم فرزند سید عبدالعظیم طباطبایی یزدی معروف به علامه یزدی صاحب عروه یکی از بزرگترین علما و مراجع جهان تشیع در قرن ۱۴ است که پس از میرزای بزرگ و آخوند خراسانی تدریس چندین ساله حوزه نجف اشرف و همچنین زعامت و مرجعیت جهان تشیع به او منتهی گردید. وی در سال ۱۲۵۶ ق متولد و ۲۸ رجب ۱۳۳۷ ق وفات نمود و در صحن مطهر علوی مدفون گردید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۴۰ - ۴۳۷؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۴۹ - ۳۴۷.

۲- ۱۰. ملا محمد کاظم فرزند ملا حسن معروف به آخوند خراسانی صاحب کفایه یکی از بزرگترین آیات و مدرسین حوزه نجف در قرن اخیر است وی دانشمندی اصولی، مجتهدی خاضع و فقیهی کم نظیر در جهان تشیع بود. وی در ۱۲۵۵ ق در مشهد دیده به جهان گشود. در سال ۱۲۷۸ ق در نجف اشرف وارد حوزه درس علامه شیخ مرتضی انصاری گردید. مرحوم آخوند خراسانی یکی از بزرگترین ارکان علم اصول بود و کار تحصیلی ۳۰ ساله علما را به وسیله اثر ارزنده خویش {کفایه الاصول} به سال تبدیل نمود وی در ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۹ ق دارفانی را وداع گفت. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۹۳ - ۹۲؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۴۰ - ۳۳۹.

۳- ۱۱. شیخ محمد طه فرزند شیخ مهدی یکی از بزرگان علما و مراجع شیعیان عراق بود، وی از شاگردان پدر بزرگوارش شیخ مهدی نجفی و شیخ محسن خنفر نجفی و شیخ انصاری بود که خود به مقام استادی و اجتهاد نایل گردید. محمد طه در فقه و اصول و حدیث و تفسیر ید طولایی داشت، پس از فوت محمد حسن کاظمینی و علامه کاظمینی در رأس علما و مراجع عراق قرار گرفت، وی سرانجام در روز دوشنبه ۴ شوال ۱۳۲۳ ق در نجف اشرف وفات نمود و در جنب شیخ انصاری مدفون شد. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۲۴.

۴- ۱۲. مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی از علما و مراجع بزرگ شیعیان می باشد که ضمن سپری کردن مقدمات علوم دینی بیشتر مراتب علمی و درجات اجتهادی او از کرسی درس شیخ المتاخرین استاد انصاری نصیب گردید. بدایع الافکار، بدایع الاصول و ... برخی از آثار بی نظیر وی می باشد، وی در ۱۲۳۴ ق در رشت متولد و در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۱۲ در نجف ندای حق را لیک گفت. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۰۲ - ۳۰۱.

۵- ۱۳. حاج ملا فتح الله فرزند ملا محمدجواد نمازی شیرازی، معروف به آقا شریعت و شیخ الشریعه یکی از علمای بزرگ شیعه در قرن ۱۴ است وی از محضر علامه خوانساری فقیه کاظمینی، شیخ محمد طه و مرحوم میرزا حبیب الله رشتی مرتباً بهره مند بود. شریعت اصفهانی فقیهی اصولی، حکیمی متکلم و مجتهدی جامع و دانشمندی مجاهد بود که در کنار میرزای مجاهد در سطح مجاهدین و مبارزین با استعمارگران غربی بود. تولد وی در ۱۲۶۶ ق در اصفهان بوده و وفات آن بزرگوار در اواسط ربیع الثانی ۱۳۳۹ ق در نجف اتفاق افتاد. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۵۱؛ ریحانه الادب، ج ۳، ص ۲۰۶.

مامقانی (۱)، مولی لطف الله مازندرانی (۲) و ثقه المحدثین مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری بهره‌ها برد. (۳)

شیخ علی اکبر نهانندی رحمه الله پس از بهره‌گیری از محضر اساتید بزرگ، تحصیل معارف الهی را به پایان برده و به درجه اجتهاد دست یافت و در علوم حدیث ضمن استفاده از کلاس درس میرزا حسین نوری از محضر میرزا حبیب الله رشتی، سید ابوالقاسم بن معصوم اشکوری، (۴) سید حسین

ص: ۱۱

۱- ۱۴. شیخ محمد حسن مامقانی فرزند ملا عبدالله از علما و مراجع مشهور اوایل قرن ۱۴ ه. ق می باشد. مامقانی از افاضل شاگردان شیخ انصاری، سید حسین ترک و اعلام دیگر عتبات بود فاضل مامقانی در اصول فقه مهارت بیشتر داشت و علمایی چند از محضر او به درجه اجتهاد رسیدند. فاضل مذکور سرانجام در روز ۱۸ محرم ۱۳۲۳ ق در نجف اشرف وفات نمود. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۰؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۲۶.

۲- ۱۵. صاحب احسن الودیعه گوید: مولانا آخوند، ملا- لطف الله آملی مازندرانی نجفی، از اکابر علمای عصر خود و از اعظم فقهای دهر بود. وی از مشایخ روایتی علامه سید ابوتراب خوانساری بوده است. سید ابوتراب وصی شیخ و کفیل اهل و عیالش بود. ملا- لطف الله مازندرانی مؤلفاتی در فقه و اصول دارد که نزد وصی خود سید مرحوم بوده است. وی در سال ۱۳۱۱ ق ندای حق را لیک گفت. ر.ک: احسن الودیعه، ج ۲، ص ۱۷؛ علمای معاصرین، ص ۸۶؛ مؤثر و آثار، ص ۵۴.

۳- ۱۶. ریحانه الادب، ج ۶، ص ۲۷۰ - ۲۶۹.

۴- ۱۷. سید ابوالقاسم بن سید معصوم حسینی گیلاتی، اشکوری الاصل، نجفی المسکن والمدفن، از اکابر فقها و مجتهدین امامیه و از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی بود. بغیه الطالب فی حاشیه مکاسب، شرح مکاسب شیخ انصاری و جواهر العقول فی شرح فوائد الاصول شرح رسائل مرتضی انصاری از جمله تألیفات وی می باشد. سید ابوالقاسم سرانجام در سال ۱۳۲۴ ق در نجف وفات یافت. ر.ک: ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۳۵.

کوه کمره ای (۱) و سید مرتضی کشمیری (۲) بهره ها گرفته و در حوزه های علمی به عنوان یکی از بزرگان علم، اشتهار یافت و جامعیتی را به دست آورد که بعدها با ترکیب آن ها با علوم عقلی، شایستگی عنوان علامه را به دست آورد.

به روایت آقابزرگ تهرانی، علامه نهانندی در اواخر سال ۱۳۱۹ ق به دلیل مَرَضی که وی را رنجور ساخته بود به ایران آمد، یک ماه و نیم در تبریز ماند و از آن جا به نهاوند رفت و تا نیمه ذی الحجه سال ۱۳۲۲ ق در آن جا ماند. در همان زمان کلنگ مسجد سر خیابان به دست ایشان به زمین زده شد.

در سال ۱۳۲۲ ق سفری به قم نموده، و به ملاقات بزرگان آن دیار چون آیه الله سید صادق قمی رحمه الله علیه واصل شده است. (۳)

ص: ۱۲

۱-۱۸. حسین بن محمد بن حسن ... بن علی اصغر بن حضرت سجاد علیه السلام معروف به سید حسین ترک از مراجع علما و اساتید بزرگ فقها در اواخر قرن ۱۳ است. علامه کوه کمره ای در فقه و اصول ید طولایی داشت و پس از مرحوم شیخ انصاری از علمای بزرگ حوزه عراق محسوب می شد. متجاوز از ۸۰۰ نفر از علمای بزرگ به درس او حاضر می شدند که امثال علامه شرایبانی، فاضل مامقانی و صدها نفر دیگر از شاگردان این سید استاد بودند. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۰۷؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۲۷۷.

۲-۱۹. سید مرتضی رضوی حایری ابن سید مهدی کشمیری عالمی فقیه و محدثی نبیه و ناسکی ورع و پارسایی متقی بود آن بزرگوار داری تألیفات فراوانی در علم حدیث و اخلاق و سیره بوده است، مدت کمی به درس مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی حاضر شده و بعد چون خود را اهل استنباط و اجتهاد می دانسته جلسات درس را ترک می کند. وی دارای اجازات عدیده از بزرگان علم و حدیث و فقها و نسابین مانند: علامه شیخ نوح قرشی جعفری و علامه شیخ محمد حسین کاظمی و نسابه بزرگوار علامه سید محمود مرعشی بوده است وی در سال ۱۳۵۰ ق به رحمت حق پیوسته است. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۳۸۶ - ۳۸۳.

۳-۲۰. گلزار اکبری و لاله زار منبری، ص ۳۴۹.

و در محرم ۱۳۲۳ ق / ۱۲۸۱ ش به تهران هجرت نموده و تا سال ۱۲۸۷ ش در تهران ماند.

مرحوم نهایندی در سال ۱۳۲۸ ق / ۱۲۸۷ ش؛ یعنی چهار سال پس از انقلاب مشروطه به مشهد آمد و مجاور امام عالمان عالم شد و مورد استقبال همه مردم قرار گرفت و به تدریج مقبولیت عامه یافت و تا مدت ۱۲ سال بین الطلوعین ماه رمضان و بین الطلوعین دهه اول ماه محرم در مسجد گوهرشاد و شبستان نهایندی مردم را ارشاد می کرد و در همان مسجد به اقامه نماز می پرداخت و بزرگان شهر و پرهیزکاران به او اقتدا می کردند.

در سال ۱۳۳۲ از طریق عتبات به استانبول رفته، به درک مزار صحابی پاک پیامبر ابویوب انصاری نایل شده (۱) و از آنجا راهی بیروت شده، ملاقاتی با شیخ یوسف بنهانی از علمای عامه داشته و سپس سفر روحانی حج را آغاز کرده است که در ادامه گزارش کامل سفر حج ایشان به قلم خود آن گرامی، آمده است. (۲)

در جلالت مقام علامه نهایندی رحمه الله همین بس که کلمه «حاج شیخ» با قرینه نماز و مسجد به روحانی مورد وثوق و اعتماد غالب مقدسین مشهد مرحوم آقای حاج شیخ علی اکبر نهایندی امام جماعت شبستان بزرگ مسجد گوهرشاد منصرف شد.

مواعظ مرحوم نهایندی مالا مال از نکات نغز و مؤثر و با لهجه ای صادقانه

ص: ۱۳

۱- ۲۱. همان، ص ۴۵۶.

۲- ۲۲. همان، ص ۳۳۹.

و همراه با اخلاص بود. حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوص به خود داشت. وی در سال ۱۳۶۶ ق / ۱۳۲۶ ش به عتبات مقدسه رفته و شادروان شیخ اسماعیل نجومیان^(۱) تاریخ بازگشت ایشان را در دیوان خود آورده است، وی در سال ۱۳۶۷ ق به قم مشرف شده و مورد تجلیل مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم قرار گرفت.

علامه شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله با این که چهل سال تمام ریاست دینی خراسان را به عهده داشت، انسان پرهیزکاری بود و عمر خود را در خدمت به مردم و انجام وظایف دینی صرف می نمود.

وی که چندین دهه زمام امور روحانیت مشهد بلکه خراسان را در اختیار داشت، جز خودش احدی را در هیچ یک از کارهای مربوط به خود دخالت نمی داد، حتی امور مربوط به منزل را تا مدتی خودش انجام می داد و احتیاجات خود را از بازار می خرید و هرگز تغییری در آداب و اخلاق وی مشاهده نشد. همیشه می کوشید، اختلاف گروه های اجتماعی را از میان بردارد و میان همگان وحدت و یکپارچگی به وجود آورد.

از فقها و اساتید بزرگ علما در اواخر قرن ۱۳ هجری بود وی با میرزای بزرگ و فاضل ایروانی معاصر بود و این بزرگوار خیلی مورد توجه شیعیان عراق بود شیخ محمد حسن همچنین با شیخ جعفر شوشتری صمیمیت زیادی داشت و به اتفاق به درس مرحوم کاظمینی صاحب نقد الرجال حاضر می شدند. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۲۹۲. بعد از تبعید به ایران همراه مرحوم آیت الله شیخ مهدی خالصی

ص: ۱۴

۱- ۲۳. شیخ اسماعیل فرزند ملا ابراهیم نقاش و زرگر فرزند آخوند ملا محمد اسماعیل منجم خراسانی در ۶ صفر ۱۳۰۲ ق در مشهد دیده به جهان گشود بیشتر اوقات دوران جوانی نجومیان صرف مطالعه و آموزش علوم دینی شده است. وی در دوره کشف حجاب به قصد اقامت دایم با خانواده به عتبات رفت ولی پس از ۶ ماه به ایران برگشت و روستای شاندیز واقع در غرب مشهد را برای سکونت برگزید دیوان نجومی خراسانی از جمله آثار ادبی نجومیان است که به اهتمام فرزندش حسین نجومیان از سوی بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. نجومیان شب جمعه ۲۹ مهر ۱۳۵۶ ش در حال خواب جان به جان آفرین تسلیم کرد و در صحن عتیق حرم امام رضا علیه السلام دفن گردید. ر.ک: مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص ۳۳۳.

(۱) به مشهد آمد و در این شهر کمیته ای را همراه با تعدادی از علمای مهاجر و مجاور از جمله مرتضی یزدی، حاج آقا حسین قمی، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ محمد نهاوندی، (۲) شیخ حسن برسی (۳)، سید

صد

الدین، (۴)

ص: ۱۵

۱- ۲۵. حاج شیخ مهدی خالصی کاظمی المسکن و خراسانی المدفن می باشد در ایام حکومت عثمانیه با جمعی از علمای مجتهدین مجاهد و از بین امثال و اقوام به وظایف اسلامی و شئون دینیه قیام و نهضت ها با حکومت عراقیه نمود تا این که در سال ۱۳۴۱ ق وی را به حجاز تبعید نمودند و بنابر دعوت دولت ایران متوجه ایران شد. تولدش در ۱۵ ذی الحجه الحرام ۱۲۷۷ ق در کاظمیه واقع شده و فوت ایشان در ۱۲ رمضان ۱۳۴۳ ق در مشهد واقع گردید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۳۱ - ۲۲۹؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۲۷۴.

۲- ۲۶. آیت الله حاج شیخ محمد نهاوندی متخلص به تجلی در ۱۵ رجب ۱۲۹۱ ق در نجف اشرف متولد شد وی برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات رفته و مدتی در کربلا از محضر درس سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره گرفته و پس از آن به نجف اشرف رفته و از محضر مرحوم آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، حاج میرزا حسن خلیلی تهرانی و شیخ عبدالله مازندرانی استفاده برده است، وی همچنین مدتی در سامرا بوده و از محضر میرزا محمد تقی شیرازی مشهور به میرزای دوم بهره جست. وی از شاهدان عینی به توپ بستن حرم مطهر رضوی {۱۳۳۰ ق} بوده که در ۲۵ ربیع الاخر ۱۳۷۱ ق دار فانی را وداع گفت و در آستان قدس رضوی مدفون گردید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۹۱؛ الذریعه، ج ۱۲، ص ۱۶۳.

۳- ۲۷. حاج شیخ حسن برسی از مدرسین بزرگوار عصر خود و از منتفذین آستان قدس رضوی بوده و حوزه درس او از سایر حوزه ها با اهمیت تر و افاضل طلاب به حوزه او حضور می یافتند. وی چندی بر اثر کسالت از مشهد به برس رفت و پس از مدتی همچنین که بیمار بود به عتبات عالیات هجرت کرد و در سال ۱۳۵۳ ق در آن جا وفات یافت. ر.ک: تاریخ علمای خراسان، ص ۲۶۰.

۴- ۲۸. سید صدرالدین بن سید اسماعیل صدر موسوی آملی یکی از معاضدین مرحوم آیت الله حائری و زعمای سه گانه بعد از آن مرحوم و یکی از دو وصی معظم له است که از فوت مرحوم حائری تا ورود مرحوم آیت الله بروجردی با مساعدت و معاونت دو قرین دیگرش مرحومین آیت الله حجت و خوانساری حوزه علمیه قم را در آن شرایط سخت حفظ و نگهداری نموده. تولد آن بزرگوار در ماه رجب ۱۲۹۹ ق در کاظمین واقع شده و در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۷۳ ق داعی حق را لیک اجابت گفته است. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۲۹ - ۳۲۶.

حاج ملاهاشم، حاج سید عباس شاهرودی، (۱) سید رضا قوچانی (۲) و آیت الله آقازاده (۳) به منظور ایجاد ارتباط با مسلمانان دیگر و مشارکت اسلامی با آن ها و جلوگیری از فعالیت های غیر دینی از جمله مصرف نوشابه های الکلی و بی حجایی زنان و شرکت بانوان در تئاتر پدید آوردند.

ص: ۱۶

۱- ۲۹. حاج سید عباس بن سید علی موسوی شاهرودی مشهدی از اجلای علمای خراسان است، وی در شاهرود متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات ادبیات به تهران آمده و از محضر مدرّسین بزرگ تهران چون مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه در فلسفه و آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی در فقه و اصول استفاده نموده تا به مقام بلندی در معقول و منقول رسیده است. بسیاری از علما و فضلاهی خراسان و مشهد از محضرش استفاده نمودند وی در سال ۱۳۴۱ ق مشرف به عتبات عالیات شده و در مراجعت در هشتم شوال همان سال دار فانی را وداع گفته است. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۳۶۴؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۳۸۳.

۲- ۳۰. مرحوم حاج سید رضا قوچانی از علماء و ائمه جماعت مشهد رضوی و از شاگردان آخوند خراسانی بودند. وی در مراجعت از نجف در ارض اقدس مقیم و متجاوز از سی سال در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت می کرده و بنا به نوشته آقای مروّج در شب ۲۴ شوال ۱۳۶۸ قمری وفات یافته و در صحن جدید مدفون شد. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۵۷؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۲۹۵.

۳- ۳۱. در اوایل تأسیس حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد کفایی فرزند مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ریاست حوزه علمیه مشهد مقدس و زعیم اوّل آستان خراسان به قم آمده و مورد تجلیل روحانیت قرار گرفت و پس از چندی زیارت و ملاقات مراجع بزرگ قم به خراسان مراجعت و در غائله مسجد گوهرشاد از راه یزد به تهران تبعید و در آنجا از دنیا رفت {البته به دست پزشک احمدی به شهادت رسید} و در شهر ری در جوار سید و کریم عبد العظیم حسنی در مقبره ناصرالدین شاه مدفون گردید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۴۴.

مرحوم نهاوندی در طول چهل سال اقامت خود در مشهد منشأ خدمات زیادی شد، در روزگار وی مدرسه های دینی رضوان، ابدال خان، نواب، باقریه، دو درب، سلیمانیه، بالا سر، میرزا جعفر، عباسقلی خان، پریزاد و حاج حسن دایر بود و ایشان ضمن رسیدگی به این مدارس، مبالغی را جهت تأمین مدرسین و طلاب اختصاص داده بود و مبلغی را بین طلاب خراسانی مقیم نجف توزیع می کرد و مبالغی در اختیار فقرا می گذاشت و مقدار قابل اعتنایی نیز جهت فقراى شهرستان نهاوند می فرستادند، ایشان در اواخر حیات خود تا ۱۲۰ خروار زغال در فصل زمستان میان فقرا تقسیم می کرد.

مرحوم نهاوندی و مبارزه با دیکتاتوری رضاخانی

در سال ۱۳۱۴ شمسی و پس از امر رضاخان به کشف حجاب زنان و نیز پوشیدن لباس یک نواخت غربی و استفاده عمومی از کلاه غربی (کلاه شاپور) در تمامی کشور، از جمله مشهد مقدس، مخالفت هایی با این امر صورت می گیرد. گروهی از علما از جمله حضرت آیه الله نهاوندی در ضمن تلگرافی به رئیس الوزرا، شاه را از این امر بر حذر می دارند.^(۱)

پاسخ دربار به این تلگراف، مبتنی بر تهدید علما بر این مطلب بوده است که دست از امور سیاسی برداشته و به شرعیات خود مشغول باشند.

علما پاسخ تندتری خطاب به دربار ارسال می کنند که نتیجه آن بازداشت عده ای از روحانیون از جمله آیه الله نهاوندی بود و در نهایت مرجع تقلید بزرگ

ص: ۱۷

آن زمان، حضرت آیه الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی،^(۱) تصمیم به حرکت به سوی تهران و ملاقات حضوری با شاه می گیرد.

حضرت آیه الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی در این زمینه به فرزند گرامی خود می فرماید: «حاضر م بروم تهران و به رضا شاه التماس کنم، کشف حجاب نکند و از اتحاد شکل اجباری مردم منصرف شود. در این راه یا به نتیجه می رسم و یا به زندان می افتم و یا کشته می شوم».

آیه الله آقازاده (فرزند مرحوم آخوند خراسانی) با اصرار از ایشان می خواهد از این سفر دست بردارد، اما ایشان می فرماید: «لحظه سکوت نیست، حتماً باید بروم و هرچه بادا باد».

البته حایز اهمیت است که حضرت آیه الله قمی کسی است که از شرکت در مراسم استقبال شاه در مشهد خودداری می کند و چنین کسی با این که مرجعیت دینی مردم را عهده دار است، هنگامی که می بیند مذهب اثنی عشری در معرض خطر است، حاضر به ملاقات با رضاخان و حتی التماس به وی نیز می گردد.

ص: ۱۸

۱ - ۳۳. مرحوم حاج آقا حسین طباطبایی قمی از بزرگان علما و مراجع شیعه در قرن اخیر بود که بعد از فوت آیت الله اصفهانی زعامت و مرجعیت شیعیان جهان به این سید بزرگوار منتهی شد مرحوم قمی علم حدیث را از محدث قمی، دروس عرفان و اخلاق را از علامه کشمیری، دروس علمی و مجاهدت را از مجاهد شیرازی و دروس اجتهاد و مراتب استادی را از کرسی درس آخوند خراسانی و علامه یزدی فراگرفت. وی تا مادامی که در قید حیات بود از فجایع و کشتار بی رحمانه مردم مسلمان و مسأله اهانت به روحانیت و کشف حجاب و جریان مسجد گوهرشاد رنج می برد وی در ربیع الاول ۱۳۶۶ ق دار فانی را وداع گفت. ر.ک: علمای بزرگ شیعه، ص ۳۸۷ - ۳۸۵.

ایشان در تهران باغ سراج در شاه عبدالعظیم علیه السلام وارد می شود و در همان جا به امر رضاخان محبوس می گردد.

این امر باعث می شود که علمای دیگر مشهد به فعالیت افتاده از جمله حضرت آیه الله نهانوندی اظهار می دارد که حالا ما باید دخالت کنیم و دیگر نباید کنار نشست. (۱)

همان شب مرحوم شیخ محمدتقی گنابادی معروف به بهلول که روحانی جوان و منبری بسیار قدرتمندی بوده است به مشهد وارد و پس از نماز در مسجد گوهرشاد به امامت مرحوم نهانوندی به منبر رفته و مردم را بر علیه این اقدام رضاخان - حصر آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی - تحریک می کند.

همان شب نیروهای شاه با مردم درگیر شده و عده ای حدود ۳۰ نفر به شهادت می رسند. شب بعد مردم به اتفاق علما در مسجد گوهرشاد به عنوان تحصن جمع می شوند.

اسدی نایب التولیه به نام این که از شاه تلگرافی برای علما رسیده است، علمای مهم و طراز اول از جمله حاج شیخ علی اکبر را از مسجد خارج و به دار التولیه منتقل می کند و سپس فرمان آتش از طرف پاک روان استاندار و سرهنگ نوایی رئیس شهربانی مشهد صادر می شود و در حمله به مسجد گوهرشاد تعداد کثیری از مردم که بین ۱۵۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر گفته شده به شهادت می رسند که تفصیل آن در کتاب های مربوط به قیام گوهرشاد به ثبت رسیده است.

ص: ۱۹

پس از این کشتار وحشیانه کامیونهای شاه وارد حرم شده و کشته ها و زخمی ها را روی هم ریخته و خارج از حرم همه را با هم دفن و زنده به گور می کنند و روی همه خاک می ریزند.

علامه نهایندی رحمه الله در کلام بزرگان

مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله (۱) ضمن یادآوری این نکته که مرحوم علامه نهایندی رحمه الله با پدر ایشان آیت الله سید شمس الدین محمود حسینی مرعشی نجفی رحمه الله (م ۱۳۳۸) هم دوره و همدرس بوده، از شخصیت علمی وی چنین یاد کرده و تجلیل می کند.

«كان خَرِيْتًا فِي الْحَدِيثِ وَ مَقْدَمَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ الدَّرَايَةِ فُقِيهًا اَصُولِيًا مُتَكَلِّمًا مُفَسِّرًا» مرحوم نهایندی مهارت ویژه در علم حدیث و مقدمات آن مانند علم رجال و علم درایه داشت، وی فقیهی اصولی و متکلمی مفسر بود.

آقای اردو بادی (۲) می فرماید: علامه نهایندی در اواخر ذی القعدة الحرام

ص: ۲۰

۱- ۳۵. اسم شریفش سید شهاب الدین و کنیه اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است در صبح روز پنج شنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۸ ق در نجف اشرف متولد شده و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می باشد، وی مقدمات علوم و علم انصاب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صانع بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده است. مشایخ اجازه ایشان از ۲۰۰ نفر متجاوز است که شیخ علی اکبر نهایندی صاحب ترجمه نیز در زمره مشایخ اجازه ایشان قرار دارد. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۵۲ - ۳۷.

۲- ۳۶. میرزا محمد علی اردو بادی غروی در ۱۱ رجب ۱۳۱۲ ق در تبریز متولد شده و در سن ۴ سالگی در خدمت والد معظم خود به نجف اشرف مشرف شده و بعد از مقدمات فنون ادبی در حوزه درس استدلالی والد معظم خود و بعد از رحلت ایشان در مجالس درس آقای شریعت اصفهانی و ... تلمذ نموده است. ایشان تألیفات زیادی را از خود به یادگار گذاشته است. ر.ک: علمای معاصرین، ص ۳۸۹ - ۳۸۵.

۱۳۱۷ ق به حکم استخاره برای معالجه از مرضی که به مزاج شریفش عارض شده بود از نجف به ایران مراجعت و در دارالسلطنه تبریز رحل اقامت انداخته و پس از آن به عزم صله ارحام و زیارت عشیره و اقوام به نهاوند رفته و در سال ۱۳۲۸ ق به مشهد الرضاعلیه السلام مهاجرت نموده و مشغول هدایت و ارشاد مردم گردید. محاریب به وجود شریفش روشن و منابر به عنصر لطیفش مزین و روزی که سعادت مرا به تقییل عتبه مقدسه رضویه مساعدت نمود، با جناب معظم در ملاقات و معاشرت بودم و ندیدم او را مگر مثال تقوی و سمت زهد و منبع علم و رمز فهم و دانش و بهاء ایمان و مطابقت قول با فعل.

مشایخ روایی علامه نهاوندی رحمه الله

۱ - میرزا حبیب الله رشتی

۲ - شیخ الشریعه اصفهانی

۳ - سید ابوالقاسم اشکوری

۴ - سید حسین کوه کمری

۵ - سید مرتضی کشمیری

۶ - حاج میرزا حسین نوری

راویان حدیث از علامه نهاوندی رحمه الله

۱ - سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله

۲ - شیخ محمد شریف رازی

۳ - شیخ محمد علی اردو بادی

ص: ۲۱

۴ - سید علی نقی فیض الاسلام

۵ - علی اکبر مروّج الاسلام (۱)

علامه نهایندی رحمه الله و توجه به ادبیات

حاج شیخ علی اکبر نهایندی علاقه فراوانی به شعر و قطعات ادبی و جملات و عبارات موزون اعم از ادبیات عرب و فارسی داشته، این علاقه از ذکر و نقل اشعار فراوان و کلمات حکمت آموز در کتاب های متعدد ایشان به وضوح مشاهده می شود. او همواره در مقالات خویش سعی در ارائه معانی بلند در قالب نثری مسجع و موزون داشت و از قلمی شیوا و روان برخوردار بود، قطعه ای از اشعار ایشان در این مجال ذکر می شود.

خداوندا نه روزه نه نمازی

نه در وقت سحر راز و نیازی

نه چشمی کو بود از خوف گریان

نه قلبی کو بود در جوف بریان

نه دستی کو به راهت زرفشانم

نه پایی کو به درگاهت کشانم

نه حال خشیتی و ابتهالی

نه حال خجلتی و انفعالی

نه حال خواندن قرآن و ذکری

نه در تصمیم و عزمم فکر بکری

ص: ۲۲

۱- ۳۷. آقای حاج شیخ علی اکبر مروّج متخلص به شفیق صاحب تألیفات کثیره از علما و محدثین بزرگ معاصر خراسان می باشد. این بزرگوار در ۱۳۱۰ ق در مشهد متولد شده و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج احکام پرداخته و از این رو به مروّج الاسلام مشهور گردیده است. وی ضمن برخورداری از ذوق و قریحه شعری تألیفاتی نیز از خود بر جای گذاشته از جمله: نفائس اللباب در دو جلد، هدیه المحدثین و ...

ویژگی های اخلاقی علامه نهاوندی رحمه الله

یکی از مؤمنین (پدر آقای افراسیابی) می گوید: زمانی که در شهربانی سابق تهران مشغول خدمت بودم یک شب هنگام گشت شبانه به شخصی برخورد کردم که پس از کمی صحبت معلوم شد کلیمی مذهب است. ایشان بعد از این که فهمید بنده نهاوندی هستم به تعریف و تمجید از اهالی نهاوند پرداخت و گفت عالم دینی شما حق بزرگی بر گردن ما کلیمی ها دارد. گفتم چطور؟

گفت: من از کلیمی های مشهد هستم چند سال پیش عده ای از متعصبین، ناگاه هنگام برپایی یکی از مراسم مذهبی ما نقشه برهم زدن مراسم را کشیده بودند، و حتی این حمله در حال شکل گیری بود، ما چاره ای جز این ندیدیم که جریان را به اطلاع شیخ علی اکبر نهاوندی که نفوذ و محبوبیت فراوانی در بین مردم داشت، برسانیم، ایشان پس از اطلاع سراسیمه خود را به محل رساند و پس از دعوت همگان به آرامش سخنرانی غزایی درباره مقام حضرت موسی علیه السلام و نحوه برخورد با اقلیت ها و این که یهودیان این مراسم را به استناد کدام یک از آیات تورات به جای می آورند، ایراد نمود، کلیمیان چنان تحت تأثیر کلمات و وسعت اطلاعات او قرار گرفتند که اشک از دیدگانشان جاری شد. برخی از آنان گفتند: گوئیا موسی علیه السلام زنده گشته و احکام مان را به ما تعلیم می دهد.

اجتناب از امور شبهه ناک

به گفته بعضی از مؤمنین، آیت الله نهاوندی از خوردن میوه باغات یکی از مناطق نهاوند خودداری می کرد. وقتی علت را از ایشان جویا شدند، فرمود: در

آن منطقه آب باغات نوبتی نیست و هر کس زور بیشتری داشته باشد صاحب آب است، لذا بسیاری از اوقات در رساندن آب به باغ حقوق دیگران را پایمال می کنند و من بر خود جایز نمی دانم که از چنین میوه ای بخورم.

سخت کوشی در راه علم

علامه نهایندی رحمه الله می نویسد: خواجه عبداللّه انصاری در «نفحات الانس» می گوید: «من سیصد هزار حدیث یاد دارم با هزار اسناد. آنچه من در طلب حدیث حضرت محمدصلی الله علیه و آله کشیدم هرگز احدی نکشیده، یک منزل از نیشابور تا دیزباد باران می آمد و من برای آن که جزوه های حدیث خیس نشود در حال رکوع می رفتم و آن ها را در زیر شکم نهاده بودم. شب در نور چراغ حدیث مینوشتم و فراغت نان خوردن را نداشتم، مادرم نان پاره و لقمه می کرد و در دهان من می نهاد.

نظیر حالت خواجه از برای خود حقیر نیز اتفاق افتاد در سال ۱۳۱۸ ق که از نجف اشرف بیرون آمده و به جانب بلاد عجم می آمدم، آب طغیان نمود و سد کاظمین و بغداد را خراب نمود و از حدود بغداد تا حدود سرای خاکستری را آب گرفته بود. قفه در میان آب انداخته و زوار و عابری را عبور می دادند. حقیر در میان قفه به پا ایستاده و مؤلفات فقه و اصول خود را در ساروقی بسته و بالای سر خود نگاه داشته بودم که اگر فرضاً غرق شدم اوّل خودم غرق شوم بعد از آن نوبت به آن مؤلفات برسد و تا به حال که این مقام را تحریر می نمایم و مقارن ظهر روز یکشنبه ۱۳۴۱ ق است اگر مدّعی شوم که در منزل خود از بدو تحصیل

تا حال غذایی با فراغت بال صرف نموده به جهت اشتغال به مطالعه کتب و نوشته ها، همانا ادعایی قریب به صدق نموده ام.

حکایاتی از حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله

۱ - آیت الله محسنی ملایری رحمه الله در مصاحبه ای راجع به آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله چنین می گوید:

در سفر دومی که آقای بروجردی به مشهد مقدس مشرف شدند مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله که امامت مسجد گوهرشاد را به عهده داشت از ایشان خواستند که به جای وی نماز جماعت را قبول کنند، ایشان هم بعد از تأملاتی پذیرفتند و ماه رمضان را به جای آقای نهاوندی نماز خواندند. بعداً مرحوم نهاوندی (ره) برای من نقل کردند: چشمم آب آورده بود لذا برای عمل به تهران رفتم دکترها نوبت طولانی دادند، دیدم هنوز فرصتی هست به عتبات مقدسه رفتم در نجف اشرف مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی از من خواستند که در مکان ایشان نماز بخوانم، بعد از نماز مغرب در نافله دوم صدایی را شنیدم که فرمود: «عَظَّمْتَ وَكَدَى فَعَظَّمْتُكَ» فرزندم را بزرگ داشتی پس تو را بزرگ داشتیم؛ این قضیه را من (آیه الله محسنی ملایری) از حاج شیخ علی اکبر شنیدم و خدمت آیه الله بروجردی نقل کردم، اشک از چشمان ایشان سرازیر شد. (۱)

این داستان را بنده خودم از حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ

ص: ۲۵

۱- ۳۸. ستارگان نهاوند، ص ۶۶؛ مجله حوزه، ص ۴۴ - ۴۳، خرداد ۱۳۸۰؛ گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۷۳.

حسن صافی گلپایگانی، آقازاده آیت الله العظمی صافی گلپایگانی که از قول پدر گرامیشان نقل فرمودند: که خود مرحوم نهایندی این موضوع را برای ایشان نقل فرموده اند.

۲ - داستان فرو ریختن دیوار مدرسه علمیه نهایندی

سالی که آیت الله نهایندی از نجف اشرف به ایران بازگشت، پس از چندی جهت به جای آوردن صله رحم و دیدار با مؤمنین شهر و ارشاد آنان، به نهایندی تشریف آوردند. با ورود ایشان طبق معمول جلسات موعظه ایشان سر و صدایی به پا کرد و مؤمنین دسته دسته خود را به جلسات ایشان می رساندند. روزی پس از جلسه تصمیم بر این شد که کسانی که تمایل دارند به اتفاق ایشان به زیارت مرقد شریف مرحوم میرزا آقا رحمه الله بروند ایشان پیشاپیش جمعیت حرکت می کنند.

وقتی که در «راسته میرزا آقا» به مدرسه علمیه می رسند، ایشان توقف می کنند و می گویند این مدرسه به گردن ما حق دارد و سپس راه را کج کرده و از کوچه «آقا نور» به مسیر ادامه می دهند. برخی اظهار می کنند آقا از این مسیر راه طولانی می شود. ایشان جوابی نمی دهد ولی چیزی نمی گذرد که دیوار مدرسه که ارتفاع بلندی داشت با صدای مهیبی فرو می ریزد و مردم از این حادثه وحشتناک جان سالم به در می برند. (۱)

ص: ۲۶

۱ - ۳۹. ستارگان نهایندی، ص ۶۵.

۳ - داستان زلزله مشهد و فروریختن دیوارها و سقف یکی از شبستان های مسجد گوهرشاد.

روزی حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله با جماعت بسیاری در یکی از شبستان های مسجد گوهرشاد مشغول اقامه نماز جماعت بود، بعد از اتمام نماز ظهر شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله مکان نماز را تغییر می دهد و به شبستان دیگری می رود و جماعت نماز گزار هم به دنبال ایشان به شبستان دیگر می روند. بعد از لحظاتی در کمال ناباوری شبستان قبلی به واسطه زلزله فرو می ریزد و همه مردم نماز گزار را در بهت و حیرت فرو می برد و از آن به بعد این شبستان به شبستان نهاوندی معروف می گردد. (۱)

در این جا نیکوست تا برای آشنایی بیشتر با مقام معنوی آن بزرگوار، گزارش مختصری را که ایشان در ضمن رساله «الید البیضاء فی نکت اخبار مناقب الزهراء صلوات الله علیها» از سفر حج خود آورده، نقل کنیم:

اتمامٌ لطالب طریق التوسّل کالمعرّف فی انعام لفاطمه و عنایتها بالمؤلف:

بدان که این ناچیز، در این مقام عزیز که ذکر توسّل به صدیقه کبری و بیان تشبّث به ذیل عنایت آن مخدره عظمی شد، خوش دارم که یکی از موارد توسّل خود را به آن ملیکه انبیا بنگارم، و برادران ایمانی را از اثر آنی دیدنم از این توسّل مستحضر دارم و آن این است که:

در اوقات تشرفم به سده سینه علویه مرتضویه - علی مشرفها الف الف

ص: ۲۷

سلام و تحیّه - در شب های تار و اوقات اسحار، چه در هنگام تشرّف به حرم مطهر، و چه در بالای پشت بامهای منازل مستاجرّه ای که در آن بلد منور داشتم، استغاثه ای به حلال مشکلات نموده و از جنابش مسألت می نمودم که در نزد باری تعالی شفاعت فرموده که اسباب تشرّف به بیت الله و زیارت قبر حضرت حبیب الله و زیارت قبور ائمه بقیع را از جهت این روسیاه فراهم آورده، بدون این که از مخلوقی مثل خود نایب در این عمل باشم، چه نیابت را طبعاً کاره و به توصیه ای از والد مرحوم طارح بودم، و قلت ذات الیدهم، مانع از تشرّف به نحو استعانت بود؛ تا آن که از آن مکان شریف هجرت نموده، و دو سه سالی بر حسب تقدیر، در بلده نهادند - که مسقط الرأس داعی است - توقف نموده، و قریب به پنج سال هم، در دارالخلافت تهران متوقف، و مقیم آن سامان بودم. و در خلال این اوقات، دو مرتبه حج نیابتی از زید و عمرو، با وجهی که به حسب المرسوم و المتعارف، زیاده از اجرت این عمل بود، به قریب ضعف میسر شد. و این حقیر اقدام ننمودم، تا آن که منتقل به مشهد مقدس رضویّه - علی مشرفه الف الف سلام و تحیّه - شدم. و قریب چهار سال از مجاورتم در آن زمین جنت قرین گذشت. و چون از تاریخی که از نجف اشرف منتقل به بلاد عجم شده ام، همه ساله یک اربعین را صعود به منبر، از برای موعظه نفس سرکش خود و تذکر برادران ایمانی می نمودم، تا چند سال قبل از نوشتن این مقام؛ و چند سال است که به واسطه عارضه مزاجی، این توفیق از داعی سلب گردیده، و آن اربعین عبارت از ماه صیام و دهه اول محرّم الحرام هر عام بود.

پس در سال هزار و سیصد و سی و یک، در ماه رمضان، حسب المرسوم به منبر صعود نموده، و در لیالی قدر - به واسطه ازدحام جمعیت در مسجد جامع معروف به مسجد گوهرشاد - وظایف لیالی قدر را در صحن جدید - که از بناهای خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار است - به جای می آوردیم. و در شب بیست و سوم - که در نزد طایفه شیعه، ليله قدر بودنش، ارجح و اثبت است - بعد از ادای وظایف آن ليله از نماز و غیره، به منبر صعود نموده، و بالمناسبه سوره قدر را عنوان کرده.

و چون در اخبار آن عصمت علیهم السلام ليله القدر، تأویل به وجود مقدس فاطمیه شده است، پس در مقام ذکر مصیبت در خاتمه بیان منبریّه، ذکری از مصایب آن مخدّره گردیده، و منبر به اسم سامی و نامی گرامی آن ملیکه انبیا اتمام یافت.

و در مقام دعا، از جمله چیزهایی که در آن حال بر قلبم القا شد که از برای حصول آن دعا نمایم، زیارت عتبات عالیات بود، پس از برای انجام این مقصود دعا نموده، و مؤمنین آمین گفتند. و در این دعا، توسّل تامّه را به حضرت بی بی قرار داده؛ پس جالسین مجلس از برای تناول سحور متفرّق شده، به منازل خود رفتند. و تقریباً مدت ده ماه از آن تاریخ گذشت. و در خلال آن مدّت، استجابت بعضی از دعوات آن ليله نمایان شد ولیکن از دعا تشرفّ به عتبات عالیات اثری هویدا نشد؛ تا آن که در روز مبعث سال هزار و سیصد و سی و دو - تقریباً دو ساعت از روز گذشته - سید جلیلی که از اخیار و از جمله کسبه بازار،

و شغل او علاقه بندی بود در منزل داعی آمد، و اظهار داشت که شما را یاد می آید که در سحر شب بیست و سیم از ماه رمضان سال گذشته در منبر - متوسلاً بالصّدیقه الطّاهره - از برای تشرف به زیارت عتبات عالیات دعا نمودید؟

داعی عرض کردم: بلی نظرم می آید، ولیکن تاکنون اثری از استجاب آن دعا ظاهر نشده است.

آن سید جلیل فرمودند: آن دعا در همان وقت به هدف اجابت مقرون شد. نهایت آن که: الامور مرهونه باوقاتها. و وقت فعلیت آن، این اوقات است.

پس فرمودند که: من در روز بیست و دوم آن ماه، که شبش در میان جالسین مجلس شما بودم، با تاجر معروف حاج یوسف وهاب اوف اردبیلی، در معامله نخ فرنگی که تقریباً ده دوازده هزار تومان وجه آن می شد، مقاوله می نمودم، و معامله ما سر نگرفت. پس در آن شب که شما آن دعا را نمودید، عهد کردم که اگر این معامله ما انجام پذیر شود، و ششصد تومان ربح نماید، من در خدمت بوده با شما مشرف به بیت الله الحرام گردیدم، و شما در این حج نایب از جده ام صدیقه طاهره باشید. و اگر سیصد تومان ربح کرد، فقط شما نائباً عن الصّدیقه مشرف شوید، چه من در چند سال قبل، عن استطاعه به حج مشرف شده، و حج واجب خود را به جای آورده ام. و اگر این مرتبه در خدمت شما موفق به حج گردم، حج مستحبی است. و اکنون آن معامله انجام گرفته و نخها را از ایشان ابتیاع نمودم و فروختم، و خداوند ششصد تومان ربح مرحمت فرمود.

و این وجه، به این ترتیب که ذکر شد، مصرف سفر مکه معظمه است. آیا شما حاضر هستید از برای نیابت از جده ام، رفتن به حج را؟

داعی عرض کردم: البتّه حاضریم. و این نیابتی است که از صد هزاران اصالت، اشرف است.

مختصراً آن که تهیّه سفر را آماده کرده، و روز غزّه ماه رمضان المبارک سی و دو (۱۱) از مشهد مقدس به عزم نیابت آن ملیکه دو سرا در حج بیت الله با آن سید جلیل، با یک نفر دیگر از سادات انجابه بیرون آمدیم. و وجه مصروف را در مشهد مقدس، به تاجری که ظاهراً خود حاج یوسف مزبور بود، آن سید جلیل داده، و برات بادکوبه گرفت. و روز هفتم رمضان وارد بادکوبه شدیم، و غافل از این بودیم که دُول کفریّه با یکدیگر، و دولت انگریز با دولت اسلامیّه عثمانیّه اعلان محاربه ای داده، و جنگ بین الدول و الملل شروع شده، و به این واسطه تمام وسایل و مراکب سیر و حرکت - از جهاز و شمندفر و غیرها - از بردن مسافر به حج ممنوع، و ممخّض از برای سوق عساکر در حال محاربه اند. و از جمله آن دُول هم، دولت روسیه است، و سیر مسافر در آن بلاد ممنوع است.

پس از ورود به بادکوبه، آن تاجری که وجه برات ما را باید تأدیه نماید، خبردار شده به دیدن آمد. و لَدی الورود، زبان را به نکوهش و توییح ما گشود و عباراتی ناهنجار گفت.

داعی گفتم: چه شده است که شما این نحوه از عبارات را می گوئید؟

ص: ۳۱

۱- ۴۱. مراد، سال یک هزار و سیصد و سی و دو هجری قمری است.

در جواب گفت: مگر شما در مشهد مقدس نشنیده اید که جنگ بین الملل شروع شده، و مسافر بردن ممنوع است؟

داعی عرض کردم: ما به هیچ وجه در مشهد مقدس، و در بین راه تا این جا که وارد شده ایم، این مطلب را از کسی نشنیده ایم، و الحال آن را از شما می شنویم. و اگر در مشهد مقدس یا در بین راه این مطلب را شنیده بودیم، تا باد کوبه نمی آمدیم.

پس آن تاجر گفت: چاره ای جز معاودت به مشهد مقدس ندارید، چه قریب به دو هزار نفر دیگر از ایرانی ها، که به عزم تشریف به بیت الله در این جا آمده اند، چند روز است که روزی سه چهار مرتبه به ماشین خانه رفته، و گاهی به داد و فریاد، و گاهی به الحاح و فروتنی، مسئلت بلیط ماشین می کنند، که به اُدسا و اسلامبول بروند. و احدی به گفته آن ها اعتنا نمی کند. و حال شما هم، مثل آن ها است، و چاره ای به غیر از معاودت نیست.

و بالجمله، هفت روز در باد کوبه معطل شده، و سه نفر رفیق داعی - که دو تای آن ها، همان دو سید جلیل بودند، که با داعی از مشهد مقدس بیرون آمده بودند. و یک نفر دیگر، میرزا ابوالقاسم نامی بود که در دو منزلی مشهد با ما ملاقات نموده، و عازم به رفتن مکاره از برای تجارت دنیویّه بود. و اظهار داشت که چند سال است که عزم تشرّف به حجّ را دارم، ولیکن موفق نمی شوم، تا این که شما را دیده در قلبم گذشت که با شما در این سفر همراه باشم، اما چه کنم که عازم مکاره ام؟

داعی گفتم: الف و راء مکاره را که اسقاط کنی، مکه می شود. و تجارت هم اعم است از تجارت دنیویّه و اخرویّه. امساله را، تجارت را تجارت اخرویّه قرار دهید.

پس با ما همراه شد، و به واسطه کثرت آمد و شدش در مملکت روسیه به جهت تجارت، مسلط بر فهم و تکلم به لغت روس بود. در این چند روزه، روزی چندین مرتبه از منزل بیرون آمده، و از وسایط امور شمندفر تفتیش کامل می کردند که شاید طریقی از برای حرکت نمودن ما میسر شود.

تا آن عصر روز هفتم از ورود، عزم را بر معاودت به مشهد مقدس جزم کرده و رفقا از برای تهیّه وسایل معاودت بیرون رفتند و داعی، تنها، با دل شکسته و حال پریشان در منزل ماندم. و در این حال تنهایی متذکّر شدم که چرا نباید متوسّل به صدّیقه کبری علیها السلام - که منوب عنهای من است - بشوم؟

پس اشکم جاری شد و عرض کردم: ای خاتون دو سرا، خود شما می دانید که دو مرتبه اسباب حجّ بیت الله به نیابت از زید و عمرو، از برای داعی به احسن وجه و اکمل اجرت میسر شد، و داعی قبول ننمودم. و به این وجه قلیل محض نایب بودنم در این عمل، از آن سلاله خلیل راضی شدم، در حالتی که آقایان حجج اسلامیه مشهد مقدس مثل مرحوم حجه الاسلام آقای حاج سید علی سیستانی - اعلی الله مقامه - و مثل مرحوم ثقه الاسلام حاج سید علی شوشتری و مثل مرحوم ثقه الاسلام آقا شیخ حسن کاظمینی - نورالله مرقدهما - که همگی در آن تاریخ در قید حیات بودند، و با داعی محبت و صداقت کامله

داشتند، داعی را از تقییل این امر ممانعت فرمودند که اولاً این وجه، مکفی این سفر از برای شما نیست، و ثانیاً همین وجه را خودتان اخذ کنید، و به دست آن آقا نگذارید، زیرا که حرف نوع مردم را اعتباری نیست.

چه آن که داعی وجه سیصد تومان را از آن سید جلیل نگرفتم. و به ایشان عرض کردم که این وجه از جده شما است، و من مهمان آن مخدّره ام، و شما وکیل خرجید، از جانب ایشان. معادل آن چه را که برای خودت در این مسافرت از گراوات و مخارج اکل و شرب مصرف می کنید، از برای داعی هم مصرف نمایید. و وقتی که وجه تمام شد، بگو من از وکیل خرجی جده ام خارج شدم، در آن وقت من می دانم و صاحب کارم.

و بالجمله عرض کردم: بی بی، داعی با این خصوصیات، به اسم نیابت از حضرتت در حجّ بیت الله، از مشهد مقدس بیرون آمده ام. شما بر خود میسند که داعی خائِباً از این جا معاودت به مشهد مقدّس کنم. عَلِمَ اللهُ، چند دقیقه بعد از این عرایض به سده ستیه آن مخدّره بیش طولی نکشید که آن تاجری که طرف برات ما بود و ما را در روز اوّل ورود به بادکوبه چقدر مذمّت و نکوهش کرد در جلو، و سه نفر رفیق داعی از عقب او وارد شدند. ولدی الورد، آن تاجر از عوض سلام و تحیّت گفت: آقا، البشاره.

داعی در جوابش گفتم: بشرک الله بالجَنّه، چه بشارت داری؟ آیا غدقن از نبردن مسافرین برداشته شده است؟

گفت: نه، ولکن مادام و خانمی که رئیس ماشین خانه و شمندفر بود - چنان

که رسم طایفه روسیه است، بلکه رسم تمام ملت نصاری است که زنان را مثل مردان دخالت در امور مهمه دولتی و تجارتنی می دهند - معزول شد، و خانم دیگری که با من آشنا و طرف حساب است، به ریاست شمندفر منصوب گردیده. و اگر شما مایل باشید که در شمندفر، با سالدات ها همنشین باشید، من می توانم که از برای شما تحصیل بلیط شمندفر بنمایم.

داعی عرض کردم: البته تحصیل کنید.

پس، فردای آن روز که روز هشتم ورود ما به بادکوبه بود، قبل از ظهر چهار بلیط شمندفر آورده، به ما داد، و گفت: مهیا باشید که عصر شمندفر حرکت می کند به جانب اودسا. من حمال آورده شما را با اسباب و لوازم تان، به ماشین خانه برده و به ماشین نشانیده تا بروید.

و گفت: همین قدر که ماشین از برای سیر به حرکت افتاد، دیگر کسی را قدرت نیست که متعرض شما بشود.

پس در وقت عصر با حمال آمده، و ما را حرکت داده و به ماشین خانه برد. و ما را با اسباب های ما در یکی از خان های ماشین جای داده، و ما را در عقب اسباب ها نشانیده که به مرانی و منظر نباشیم.

و در آن وقت، قریب دو هزار نفر از ایرانی ها که عزم بیت الله داشتند و در بادکوبه آمده بودند، در جلوی ماشین خانه حاضر بودند، و تماماً با چشم گریان و حال پریشان تقاضای بلیط ماشین می کردند، و احدی به آن ها اعتنا نمی کرد.

خدا می داند که در آن وقت بر داعی چه گذشت. و نمونه ملکی را که نیمی از

آن از برف و نیمی دیگر از آتش است - چنان که در اخبار وارد شده - در خود دیدم که به یک چشم خندان، از این موهبتی که حضرت بی بی دربارہ ما فرمود از سبب اسباب حرکت؛ و به یک چشم گریان، از دیدن حال برادران ایمانی ایرانی خود.

پس ماشین به حرکت آمده، و ما از بادکوبه بیرون آمدیم، به جانب اودسا و اسلامبول. و این نبود مگر از توسل به ذیل عنایت حضرت صدیقه علیها السلام.

و چقدر از مواهب و عنایات که در آن سفر میمنت اثر، از پرتو توجه آن خاتون دنیا و آخرت، شامل حال این کلب آستان شان گردید، که اگر نوشته شود کتابی حجیم و دفتری عظیم گردند.

از جمله، آن که اغلب حجّاج، یک مرتبه در سفر حجّ شان به مدینه منوره مشرف می شوند، و آن هم چند روزی که غالباً به عشره نمی رسد. و این روسیاه را - از عنایات آن مخدّره - در یک سفر، دو مرتبه توفیق تشرف به مدینه منوره حاصل گردید: یک مرتبه قبل الحج که چهارده روز مشرف بودم. و دفعه ثانیه بعد الحج که روز هشتم ماه محرّم الحرام هزار و سیصد و سی و سه وارد مدینه شده، و تا شانزدهم محرّم مشرف بودم. و بعد از آن به شمندفر که دولت عثمانیه میان مدینه و شام احداث کرده بودند، نشسته و به شام آمدم.

و از جمله آن که توفیق درک میقات طایف - که قرن المنازل است - مرزوق گردید، چه قبل از حجّ، از بادکوبه به اسلامبول، و از آن جا به بیروت، و از آن جا به شام، و از آن جا به مدینه طیبه مشرف شده، از راه شمندفر. و از آن راه که

رفته، معاودت به شام نموده، و به بیروت و اسکندریه و سوئیس رفته، و از سوئیس به جده رفتیم. و قهراً احرام از این طریق، محاذات میقات است، نه از خود میقات. و بسیار مایل بودم که درک یکی از مواقیع را نموده باشم، تا آن که مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، درک میقات طایف - که قرن المنازل است - مرزوق گردید.

و از جمله، آن که چون اوّل محاربه بین الدول بود که ما در بادکوبه وارد شدیم؛ و هنوز غالبیت و مغلوبیت دولتی معلوم نبود، پس پول های هر دولت از نقود و کاغذ، به همان قیمت خود باقی بود. و وجه سیصد تومان داعی را مثل سایر وجوه همراهان منات کاغذ دادند، که هر صد مناتی آن در آن وقت شصت و دو تومان ایرانی قیمت داشت. و چون به اسلامبول رسیدیم و مغلوبیت دولت روسیه مشهود و مشهور گردید، پول های رواج مملکتش تنزل نموده، و بعضی از صد مناتی ها را در اسلامبول به بیست و پنج تومان ایرانی دادیم. و چون در شام رسیدیم، صد مناتی به پانزده تومان رسیده بود.

و بالجمله این وجه سیصد تومان، همین قدر شد که داعی را بعد از حجّ به مدینه طیبه رساند. و مع ذالک، چهارصد تومان دیگر علاوه بر آن سیصد تومان محسوره مصرف داعی شد، تا ورود به مشهد که روز هیجدهم ماه شعبان هزار و سیصد و سی و سه بود. و مع ذالک در حین ورود به مشهد مقدس، تمام قروض داعی تأدیه شده، و مقداری هم مصرف سوغات نموده، من حیث لا احتسب.

و از جمله آن که نوع حاجیان در آن سال، از تشرف به عتبات عالیات محروم

شدند؛ چه از طریق بحر و از ساحل جدّه مراجعت نمودند به خیال این که به بصره، و از آن جا به بغداد رفته، مشرف به آن اعتبار مقدّسه گردند. و چون میانه دولت انگریز و عثمانی، در بین بصره و بغداد محاربه بود، پس راهی به تشرف پیدا نکرده، و جمعی از بوشهر و جمعی از بصره و جمعی از بندر ناصری به عجم معاودت نمودند.

و داعی - بحمدالله و المّنه - چون از راه بین الحرمین معاودت نمودم، و به شام رفتم، پس از آن جا به حلب و از حلب به دَیْر و از دَیْر به شختور نشسته، و در شطّ فرات سیر نموده، تا وارد مسیب شده و از آن جا از نهر حسینی وارد کربلای معلی شدم. و چون ورودم مصادف با وقت زمستان بود، تقریباً چهار ماه در آن اعتبار مقدّسه مشرف بودم. و بعد از عید نوروز، حرکت به سمت عجم نمودم.

و نبود تمامت این ها، مگر از اثر توّسّلم به حضرت صدّیقه کبری صلوات الله علیها.

و از آن تاریخ تاکنون - که یوم هیجدهم از ماه رجب الاصبّ سال هزار و سیصد و چهل و هشت هجری است، و مشغول کتابت این مقام هستم - هر وقت که در ورطه ای و بلیه ای مبتلا شده ام، متوسّل به آن خاتون دنیا و آخرت شده، و ایشان را به آن انظار عنایتانه ای که در آن سفر درباره این روسیاه داشته، قسم داده ام. و فی الفور، از آن ورطه و بلیه، از برایم خلاصی حاصل شده است. و امید است که از ورطه های برزخ و قیامت هم، داعی را نجات دهد.

تألیفات علامه نهانندی رحمه الله آیت الله نهانندی رحمه الله از سال ۱۳۲۸ ق تا ۱۳۶۹ ق متجاوز از ۴۰ سال در ارض اقدس خراسان به ترویج مکتب تربیت فضلا و تدریس و تألیفاتی سودمند اشتغال داشت این عالم کامل فقیهی پرهیزکار و دانشمندی فروتن بود که بسیاری از سال های عمر شریفش را در تألیف و تصنیف کتب دینی و علمی متعدد سپری کرده که به تفصیل بیان می گردد.

۱ - البیان الرفیع (اخلاق ربیعی)

این کتاب در قطع وزیری و در یک مجلد به صورت چاپ سنگی در ۳۲۴ صفحه به چاپ رسیده است. تاریخ شروع نگارش این کتاب سال ۱۳۳۷ ق و تاریخ اتمام آن سال ۱۳۴۱ ق است. این کتاب در شرح احوال ربیع بن خثیم معروف به خواجه ربیع است و متشکل از یک مقدمه و هشت باب و یک خاتمه است.

۲ - جنه العالیه و جعبه الغالیه

نگارش این کتاب در سه جزء و در سال ۱۳۴۱ ق به اتمام رسیده و هر سه جزء در یک مجلد در قطع رحلی و چاپ سنگی به چاپ رسیده است. این کتاب کشکولی است که مطالب مختلف در آن شماره گذاری شده و هر جزء آن مشتمل بر ۳۳۳ مطلب از مطالب مختلف می باشد.

۳ - جنتانِ مدهامتان

این کتاب در قطع رحلی و در دو جزء به صورت چاپ سنگی به چاپ رسیده است

جزء اول «الجنة الاولى» ۲۰۹ صفحه و جزء دوم «الجنة الثانية» ۲۰۶ صفحه است جزء اول مشتمل بر ۵۰۴ جواهره و جزء دوم مشتمل بر ۱۵۴۱ جواهره است. هر جواهره از این کتاب در مورد مسائل مختلفی از عقاید، عرفان و اخلاق و ... است.

۴ - راحه الروح یا کشتی نجات

این کتاب شرحی است بر حدیث شریف نبوی که در کتب شیعی و اهل سنت ذکر شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق». این کتاب به قطع وزیری در ۵۱۲ صفحه توسط کتاب فروشی جعفری در مشهد به چاپ رسید. نگارش این کتاب در ۱۳۴۱ ق به پایان رسیده است.

۵ - خزینه الجواهر فی زینه المنابر

این کتاب در سه بخش اصول دین، فروع دین و اخلاق نگارش یافته و در هر بخش آیات، روایات، مواعظ و حکایات مربوط به آن بخش به ترتیب آورده شده است. همچنین این کتاب مشتمل بر شرح و تفسیر چهل آیه و هفتاد و هفت روایت و هشتاد موعظه و دویست حکایت است. نگارش این کتاب در سال ۱۳۳۶ ق به پایان رسیده و به قطع وزیری و در ۷۲۲ صفحه توسط انتشارات کتاب فروشی اسلامیة به زیور طبع آراسته گردیده است.

۶ - گلزار اکبری و لاله زار منبری

این کتاب در ۱۱۴ فصل به عدد سوره های قرآن کریم تنظیم شده و هر فصل

آن به نام «گلشن» نامگذاری گردیده است در واقع این کتاب کشکولی است از مطالب مختلف با این تفاوت که مطالب آن بر اساس موضوع هر گلشن و فصل دسته بندی و مطالب هم سنخ در یک گلشن و پشت سر هم آورده شده است. این کتاب در سال ۱۳۴۴ ق نوشته شده و در ۶۶۷ صفحه در چاپخانه حاج محمد علمی در قطع وزیری چاپ شده است.

۷- انوار المواهب

موضوع این کتاب مناقب و فضائل ائمه معصومین علیهم السلام است که در قطع رحلی و در یک مجلد به چاپ سنگی رسیده است. شروع تألیف این کتاب ۱۳۳۴ ق و تاریخ اتمام آن ۱۳۴۰ ق بود و مجموع صفحات آن ۵۶۹ صفحه می باشد.

۸- العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه

بنا به گفته مؤلف این کتاب به منزله جلد دوم کتاب انوار المواهب است که در شرح احوال حضرت ولی عصر علیه السلام بوده و در پنج قسمت به عنوان بساط نگارش یافته است. این کتاب وزین در قطع وزیری در نه جلد و در انتشارات مسجد مقدس جمکران تحقیق، ویرایش و به چاپ رسیده است.

۹- جواهر الکلمات (جواهر الزواهر فی شوارد النوادر)

این کتاب در قطع رحلی و در دو جزء به صورت چاپ سنگی به چاپ رسیده است.

۱۰ - وسیله النجات و عناوین الجمععات فی شرح دعاء السمات

پایان نگارش کتاب سال ۱۳۳۱ ق بوده و در ۳۲۰ صفحه وزیری توسط انتشارات نهاوندی به چاپ رسیده است.

۱۱ - انهار النوائب فی اسرار المصائب

۱۲ - حاشیه فرائد الاصول علی المبحث البراءه

۱۳ - رساله الحقیقه والمجاز

۱۴ - وسائل العیید الی مراحل التوحید

۱۵ - رشحه الندی فی مسأله البداء

۱۶ - صلاه المسافر (تقریر درس شیخ محمد طه نجف)

۱۷ - طور سینا در شرح حدیث کساء

۱۸ - الفتح المبین فی ترجمه الشیخ علی الحزین

۱۹ - الفوائد الکوفیه فی ردّ الصوفیه

۲۰ - کشف التغطیه عن وجوه التسمیه

۲۱ - لمعات الانوار فی حل مشکلات الایات والاحبار

۲۲ - مفرج القلوب و مفرج الكرب

۲۳ - الموارث (تقریر درس سید محمد کاظم طباطبایی یزدی)

۲۴ - النفحات العنبریه فی البیانات المنبریه

۲۵ - الید البیضاء فی مناقب الامیر و الزهرا

۲۶ - الیاقوت الاحمر فی من رأی الحجه المنتظر

۲۷ - سيع المثنانى در مناقب حسن اول تا حسن ثانى

۲۸ - العسل المصنفى فى نكت اخبار مناقب المصطفى صلى الله عليه وآله

۲۹ - الكوكب الدرى فى نكت اخبار مناقب امير المؤمنين عليه السلام (۱)

صاحب الدرعيه علاوه بر آثار مذکور دو کتاب ديگر را در زمره تأليفات علامه نهاوندى رحمه الله ذکر کرده است.

وفات علامه نهاوندى رحمه الله

شيخ بزرگوار ما در ۱۹ ربيع الثانى سال ۱۳۶۹ ق / ۱۳۲۹ ش در ۹۰ سالگى در مشهد در گذشت روز در گذشت ايشان هوا بسيار سرد بود و برف سنگينى باريده بود و غسل خانه مشهد در خيابان ۱۷ شهريور در محل کنونى پارک وحدت قرار داشت و مردم با سختى طاقت فرساى در مراسم کفن و دفن ايشان شرکت جستند و همين امر سبب شد که مرحوم آيت الله فقيه سيزوارى با توجه با مساعدت هاى که مرحوم نهاوندى در زمان حيات خود کرده بود، غسل خانه اول طبرسى را بنا نمايد.

جسد پاک علامه نهاوندى در رواق دارالسعادة در پايين پاى هشتمين امام پاكان و در کنار قبر شيخ مرتضى آشتيانى دفن گرديد و روح بلندش به عالم بالا عروج کرد. (۲)

ص: ۴۳

-
- ۱- ۴۲. نقيب البشر، ج ۴، ص ۱۶۰۰؛ مصنفى المقال فى مصنفى علم الرجال، ص ۳۴۲؛ معجم رجال الفكر والادب، ج ۳، ص ۱۳۱۴ - ۱۳۱۳؛ مكارم الاثار، ج ۶، ص ۲۲۰۸؛ مع كبار علماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۳۰۷ - ۳۰۶؛ ريحانه الادب، ج ۶، ص ۲۶۹؛ علمای بزرگ شيعه، ص ۳۹۲؛ علمای معاصرین، ص ۲۲۰؛ معجم مؤلفى الشيعه، ص ۴۲۳ - ۴۲۲.
- ۲- ۴۳. مشاهير مدفون در حرم رضوى، ص ۳۴۶.

مرحوم مروّج در تاریخ درگذشت ایشان این بیت را سروده است:

آمد اندوه و سر افکند و پی تاریخ گفت:

شد نهایندی مقیم اندر در سلطان طوس

که جمع حروف مصراع دوم در حساب ابجد ۱۳۶۹ یعنی سال درگذشت ایشان به سال قمری است.

کتابخانه علامه نهایندی رحمه الله

حاج شیخ علی اکبر نهایندی ضمن دارا بودن تألیفات زیاد از کتابخانه بسیار غنی نیز برخوردار بوده است.

آقابزرگ تهرانی صاحب الذریعه به گوشه ای از نسخی که در کتابخانه وی موجود بوده اشاره کرده. آن چه در پی می آید فهرستی مختصر از بخشی از کتابخانه بزرگ ایشان است:

آثار علوی؛ مؤلف: محمد بن مسعود مسعودی؛ رساله ای مختصر در بیان آثار علوی شامل مقدمه و چهار فصل و سیزده باب. (۱)

البراهین الجلیه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریه؛ مؤلف: مولا- محمد کاظم بن مولا- محمد شفیع هزار جریبی حائری متوفی بعد از ۱۲۳۲ ق و قبل از ۱۲۳۸ ق. (۲)

تحفه الاخیار؛ مؤلف: مولی محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی نجفی

ص: ۴۴

۱- ۴۴. الذریعه، ج ۱، ص ۹.

۲- ۴۵. الذریعه، ج ۳، ص ۸۰.

قمی، مشتمل بر هزار بیت فارسی در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام و ردّ صوفیه است که شرح آن به زبان فارسی اثر مؤلف می باشد. (۱)

تحفه المحققین؛ مؤلف: شیخ احمد دامغانی معاصر مولی حسن یزدی صاحب مهیج الاحزان، این کتاب شبیه کشکول و به زبان فارسی می باشد. (۲)

ترجمه الذهبیه؛ مؤلف: سید شمس الدین محمد بن محمد بدیع الرضوی مشهدی صاحب «الحبل المتین» و «وسيله الرضوان». (۳)

تفسیر آیة البسملة؛ مؤلف: سید محمد حسین بن شمس الدین محمد النسابة. (۴)

تفسیر سوره الفجر؛ مؤلف: مولی احمد بن حسن یزدی مشهدی واعظ. (۵)

شرح الصحیفه؛ مؤلف: علامه محمدباقر مجلسی؛ این کتاب به زبان فارسی بوده و قریب پنج هزار بیت می باشد. (۶)

شرح قصیده میرفندرسکی؛ مؤلف: مولی عباس دارابی شاگرد مولی هادی سبزواری می باشد. (۷)

المسؤلات؛ مؤلف: کربلایی علی بروجردی؛ این کتاب شامل جواب مسائل

ص: ۴۵

۱- ۴۶. الذریعه، ج ۳، ص ۴۱۷.

۲- ۴۷. الذریعه، ج ۳، ص ۴۶۷.

۳- ۴۸. الذریعه، ج ۴، ص ۱۰۳.

۴- ۴۹. الذریعه، ج ۴، ص ۳۲۵.

۵- ۵۰. الذریعه، ج ۴، ص ۳۴۱.

۶- ۵۱. الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۴۷.

۷- ۵۲. الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۵.

است که مؤلف از استاد خود مولی محمد تقی مجلسی سؤال کرده است. (۱)

شمس الحقیقه؛ مؤلف: میرزا محمد بن عبد النبی بن عبد الصنائع اخباری نیشابوری (م ۱۲۳۲ ق). (۲)

طراز المصائب؛ مؤلف: مولی نظر علی بن سلطان محمد طالقانی (م ۱۳۰۶ ق) این کتاب مشتمل بر مطالبی در مقتل می باشد. (۳)

طیف الخیال فی المناظره بین العلم والمال؛ مؤلف: مولی محمد مؤمن بن حاج محمد قاسم جزایری شیرازی شاگرد مولی شاه محمد بن محمد شیرازی صاحب شرح (الصحیفه). (۴)

حقیقه الاعیان فی معرفه الانسان؛ مؤلف: میرزا محمد بن عبدالعلی معروف به اخباری. (۵)

الرد علی العامه؛ مؤلف: حاج مولی حسن بن علی کشوی یزدی حایری؛ این کتاب بیان ابطال خلافت کسانی است که بر علی علیه السلام مقدم شدند. (۶)

رشحات عین الحیاه؛ مؤلف: مولی حسین بن علی واعظ کاشانی بیهقی؛ این کتاب شامل مقالاتی چند در طبقات خواجگان و سلسله نقش بندیه و مناقب

ص: ۴۶

۱- ۵۳. الذریعه، ج ۱۴، ص ۱۷۶ و ج ۲۱، ص ۲۹.

۲- ۵۴. الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۲۱.

۳- ۵۵. الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۵۹.

۴- ۵۶. الذریعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷ - ۱۹۶.

۵- ۵۷. الذریعه، ج ۷، ص ۴۷.

۶- ۵۸. الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

خواجه ناصرالدین عیدالله نقش بندی و ... می باشد. (۱)

زهر الربیع فی الطرائف والملح والمقال البدیع؛ مؤلف: سید نعمت الله بن عبدالله موسوی تستری (م ۱۱۱۲ ق). جلد اول این کتاب مکرر چاپ شده و جلد دوم به دلیل عدم اقبال مردم به آن چاپ نشده و لذا نسخه دوم جلد دوم کمتر است. صاحب الذریعه گوید: جلد دوم این کتاب را نزد شیخ علی اکبر نهاوندی در خراسان دیده است. (۲)

رساله فی السیر والسلوک؛ مؤلف: نورالدین اخباری محمد بن محمد بن مرتضی کاشانی برادر محدث فیض کاشانی. (۳)

شرح دعای شجره النبوه؛ مؤلف: مولی احمد واعظ یزدی (م ۱۳۱۰ ق). این کتاب مشتمل بر هشت هزار بیت می باشد. (۴)

قلائد اللثالی؛ مؤلف: نصر الله بن شهر الله ترمذی؛ این کتاب به زبان فارسی و شرح جامع الحکایات است که مؤلف برای غلامرضا بن محمد علی آران کاشانی تصنیف کرده است. (۵)

لب شرح المثنوی؛ مؤلف: مولی حسین بن علی واعظ کاشفی بیهقی (م ۹۱۰ ق)

ص: ۴۷

۱- ۵۹. الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۳۵.

۲- ۶۰. الذریعه، ج ۱۲، ص ۶۹.

۳- ۶۱. الذریعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۴- ۶۲. الذریعه، ج ۱۳، ص ۲۵۲.

۵- ۶۳. الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۶۴.

به این کتاب لب اللباب هم گفته می شود. (۱)

لطائف الآثار و جواهر الاخيار؛ مؤلف: شیخ سلیمان بن محمد معاصر شیخ حرّ عاملی رحمه الله (۲)

اللمعات فی شرح دعاء السمات؛ مؤلف: سید ابوالقاسم بن سید محمد باقر حسینی علوی فاطمی. (۳)

مباحثه النفس؛ مؤلف: مولی محمد طاهر؛ این کتاب در مواعظی خطاب به نفس عماره و ... می باشد. (۴)

المجالس الاربعون؛ مؤلف: مولی محمد بن مقیم بن شریف درزی بار فروشی مازندرانی. این کتاب در مواضع الهیه می باشد

که عنوان هر مجلس آیه ای از قرآن است. (۵)

مجالى الانوار؛ مؤلف: میرزا محمد بن عبد النبى بن عبد الصنائع نیشابوری اکبر آبادی معروف به اخباری؛ این کتاب مشتمل بر

مطالبی در مبدأ و معاد می باشد که خود مصنف شرحی بر آن نوشته که به «مجالى المجالى» نام گرفته است. (۶)

ص: ۴۸

۱- ۶۴. الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۸۷.

۲- ۶۵. الذریعه، ج ۱۸، ص ۳۱۲.

۳- ۶۶. الذریعه، ج ۱۸، ص ۳۴۶.

۴- ۶۷. الذریعه، ج ۱۹، ص ۴۱ - ۴۰.

۵- ۶۸. الذریعه، ج ۱۹، ص ۳۵۸.

۶- ۶۹. الذریعه، ج ۱۹، ص ۳۷۳؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۵۱.

تحفه المؤمن؛ مؤلف: مولی احمد دامغانی معاصر فتحعلی شاه. (۱)

معارف العارفين؛ مؤلف: محمد بن نصر الله اللائمی؛ این کتاب مختصر و در دو فصل می باشد. (۲)

مفتاح المطالب فی شرح المكاسب؛ مؤلف: سید محمد مولانا تبریزی (۳)

منهج الفاضلين فی معرفه الائمه الكاملين؛ مؤلف: شیخ محمد بن اسحاق بن محمد الحموی؛ این کتاب به زبان فارسی و مبسوط در امامت می باشد. (۴)

میزان الحق؛ مؤلف: مولی حسن بن علی الكشوی یزدی حائری.

این کتاب به زبان فارسی و در ردّ عامه و خلافت متقدّمین می باشد. (۵)

نجم الولاية لمن اراد الهدایه؛ مؤلف: محمد بن عبد النبي اخباری. (۶)

نصیحت نامه شاهی؛ مؤلف: ملا حسین بن علی کاشفی سزواری. مؤلف، این کتاب را برای پسر سلطان حسین میرزا بایقرا به رشته تحریر درآورده است که مشتمل بر مواعظ و اخلاق منظوم و منثور می باشد. (۷)

تنویر القلوب؛ مؤلف: مولی نورالدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی برادر فیض کاشانی معروف به نورالدین اخباری. این کتاب مشتمل بر ۱۴ باب در بیان معنی یک متن و فضیلت معرفت و کیفیت تحصیل آن است. (۸)

جام جم؛ مؤلف: شیخ محمد علی معروف به علی بن ابی طالب الحزین

این کتاب به زبان فارسی بوده و مشتمل بر «الموالید الثلاثه و کائنات الجو». (۹)

جامع السطین؛ این کتاب در تفسیر سوره یوسف به زبان فارسی و مشتمل بر

ص: ۴۹

۱- ۷۰. الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۳۴ و ۲۶ و ۱۷۱.

۲- ۷۱. الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۹۳.

۳- ۷۲. الذریعه، ج ۲۱، ص ۳۴۹.

۴- ۷۳. الذریعه، ج ۲۳، ص ۱۹۵.

۵- ۷۴. الذریعه، ج ۲۳، ص ۳۰۹.

۶- ۷۵. الذریعه، ج ۲۴، ص ۷۰.

۷- ۷۶. الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۸۵.

٧٧-٨. الذريعة، ج ٤، ص ٤٧١.

٧٨-٩. الذريعة، ج ١٢، ص ٢١٩ و ج ٥، ص ٢٣.

نکات ادبی عرفانی و اخلاقی در ۶۰ فصل می باشد. (۱)

جمله النعیم در احوال معراج النبی؛ مؤلف: مولی محمد علی بن محمد معروف به علی البرغانی. این کتاب همچنین شامل مطالبی پیرامون امام حسین علیه السلام و طریق سلوک آن حضرت می باشد که جلد پنجم آن کتاب ریاض الاحزان بوده است. (۲)

الحیل المتین؛ این کتاب مشتمل بر معجزه ظاهر شده بعد از دفن مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام به زبان فارسی و نزدیک هشت هزار بیت می باشد. (۳)

حقوق آل محمد علی سائر العباد؛ مؤلف: مولی حسن بن علی یزدی کشوی حائری.

این کتاب به زبان فارسی و وجیزه ای مختصر بوده که در آن سی حق به

ص: ۵۰

۱- ۷۹. الذریعه، ج ۵، ص ۵۸.

۲- ۸۰. الذریعه، ج ۵، ص ۱۶۱.

۳- ۸۱. الذریعه، ج ۶، ص ۲۳۹.

رشته تحریر درآمده است. (۱)

نظم الغرر و نضد الدرر؛ مؤلف: عبدالکریم بن محمد یحیی بن محمد شفیع قزوینی بن محمد رفیع بن فتح اللہ معاصر شاه سلطان حسین صفوی. این کتاب در نود و نه باب به عدد اسماء حسنی تصنیف شده است. (۲)

نواصیص العجب فی شرح زیاره رجب؛ مؤلف: ملا احمد بن حسن یزدی. (۳)

وسیله الرضوان فی کرامات سلطان خراسان؛ مؤلف: شمس الدین محمد بن بدیع الرضوی از رؤسای خادمین آستان قدس و از علمای عصر صفوی معاصر شاه طهماسب دوم. (۴)

جواهر الکلمات لبصائر النسمات (ملقب به کحل الجواهر لجلاء البصائر)؛ این کتاب در سه جلد اصول دین، فروع دین و اخلاق می باشد. (۵)

ضمناً بخشی از دست نوشته های علامه نهاوندی همچون بخشی از عبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام در کتابخانه مدرسه حجتیه قم نگهداری می شود.

ص: ۵۱

۱- ۸۲. الذریعه، ج ۷، ص ۴۲.

۲- ۸۳. الذریعه، ج ۲۴، ص ۲۱۸.

۳- ۸۴. الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۵.

۴- ۸۵. الذریعه، ج ۲۵، ص ۷۷.

۵- ۸۶. الذریعه، ج ۲۶، ص ۲۶۴.

ترجمه دستخط مبارك علامه محمد حسين كاشف الغطاء كه بر كتاب شريف عبقرى الحسان نوشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

نظرت فى هذا الكتاب المستطاب الذى هو من حسنات هذا العصر بل من مفاخر الدهر والنفس الخدمات لولى الامر عجل الله فرجه و هو من الباقيات الصالحات من رشحات قلم المولى الاجل ملاذ الانام حجه الاسلام الحاج شيخ ملا على اكبر النهاوندى دامت بركاته و توالى افاداته.

حرره العبد الاحقر محمد الحسين الكاشف الغطاء

فى المشهد الرضوى على مشرفه الف تحيه وسلام.

٢ جمادى ٢ سنه ١٣٥٢

ص: ٥٢

در این کتاب شریف نگرستم و آن را از برترین حسنات عصر حاضر بلکه از مفاخر دهر یافتم و نیکو خدمتی است برای حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و از باقیات صالحاتی است که از قلم مولای فاضل حضرت حجه الاسلام و ملاذ الانام حاج شیخ علی اکبر نهاوندی دامت برکاته تراوش یافته است.

نوشته شد به دست عبد حقیر خداوند، محمد حسین کاشف الغطاء (۱) در مشهد مقدس رضوی که بر زائرانش هزار مرتبه درود و سلام باد.

دوم جمادی الثانیه سال ۱۳۵۲ قمری

ص: ۵۳

۱- ۸۷. مرحوم آیه الله محمد حسین کاشف الغطاء در سال ۱۲۹۶ هجری در نجف اشرف متولد شد و در همان جا به تحصیل علوم مختلفه، ادبیات، فقه، اصول و حکمت پرداخت و در اثر کوشش و مجاهدات فراوان به مقامات علمی بزرگ رسید و متجاوز از ۹۰ جلد کتاب تألیف نمود. از جمله تألیفات ایشان کتاب های زیر است: الدین و الاسلام ۳ جلد؛ المراجعات الریحانیه ۲ جلد؛ الآیات البینات؛ الفردوس الاعلی؛ اصل الشیعه و اصولها؛ تحریر المجله ۵ جلد؛ التوضیح فی البیان ما هو الانجیل و من هو المسیح ۲ جلد؛ المعنی عن الاغانی الوجیزه فی الفقه؛ التربه الحسینیة نبذه من السیاسه الحسینیة؛ الجنه السماوی؛ المثل العلیا فی الاسلام لافی بحمدون؛ محاوره با سفیر انگلیس و آمریکا در عراق ایشان مدتها در دانشگاه الازهر مصر تدریس کرد و چون نزد برادران اهل تسنن مورد اعتماد بودند، خدمات شایانی در نشر حقایق شیعیان نموده اند. ایشان ضمن مسافرتهایی به ایران، سوریه، پاکستان، عربستان، فلسطین و مصر سخنرانی های فراوان ایراد کرد و برای بیداری مسلمانان مقالات فراوان نوشت. مرحوم شیخ تا در قید حیات بود همه او را به عنوان یک شخصیت برجسته علمی از لحاظ فقه و اصول و ادب می شناختند. او با قلم توانا و موشکاف و پر مغز خود توانست بسیاری از پرده های اوهام را راجع به مذهب حقّه تشیع پاره کند و عقاید شیعه را آن چنان که هست به عموم مسلمانان جهان معرفی نماید. مرحوم کاشف الغطاء صبح روز سه شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۳۳ (ذی قعدة ۱۳۷۳) در کربلا کرمانشاه به سن ۸۰ سالگی درگذشت. «برگرفته از کتاب مصاحبه با مرحوم استاد سید غلامرضا سعیدی درباره مرحوم علامه محمد حسین کاشف الغطاء، ص ۸۴-۷۵».

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

